



فهرست مطالب

۲.....	دلالت فحوای ادله حرمت بیع مغنیه بر حرمت بیع صنم.....
۲.....	جهات اولویت ادله حرمت بیع مغنیه.....
۲.....	جهت اول اولویت.....
۲.....	جهت دوم اولویت.....
۳.....	شمول حکم حرمت بیع صنم نسبت به تکسب به نمادهای شرک.....
۳.....	معنای شعایر و نمادهای اسلامی.....
۳.....	دلیل شمول بحث نسبت به نمادهای شرک.....
۴.....	بحثی در مورد صلیب و تثلیث.....
۴.....	اقسام نمادهای باطل و حکم آنها.....
۵.....	قسم اول نمادهای شرک و ادیان باطل.....
۵.....	قسم دوم نمادهای عقاید انحرافی.....
۵.....	قسم سوم نمادهای مربوط به معاصی.....
۵.....	قسم چهارم نمادهای متدینین به شرک و ادیان باطل.....



بسم الله الرحمن الرحيم

دلالت فحوای ادله حرمت بیع مغنیه بر حرمت بیع صنم

علاوه بر ادله ده‌گانه‌ای که بر حرمت و بطلان بیع اصنام اقامه شده بود، آقای تبریزی دلیل دیگری را نیز بر حرمت و بطلان بیع اصنام و هیاکل عبادت اقامه کرده‌اند. این دلیل، فحوای ادله دال بر حرمت و بطلان بیع مغنیه است. ادله معتبری بر حرمت و بطلان بیع مغنیه وجود دارد که در بحث بیع مغنیه این ادله بررسی خواهد شد که فعلاً تمامیت این ادله و دلالت آن‌ها بر حرمت و بطلان مفروض گرفته می‌شود. کنیز مغنیه هم مانند صنم دارای ماده و هیئت است. ماده مغنیه همان کنیز بودن آن می‌باشد که دارای ارزش می‌باشد و هیئت او هم وصف غنا و آوازه‌خوانی او می‌باشد. این اولویت از دو جهت از ادله حرمت و بطلان بیع مغنیه استفاده می‌شود.

جهات اولویت ادله حرمت بیع مغنیه

جهت اول اولویت

جهت اولی که اولویت از ادله حرمت و بطلان بیع مغنیه استفاده می‌شود، این است که غنا و آوازه‌خوانی نزد عرف یک صورت و هیئت جدیدی نیست که بر ماده کنیز اضافه شده باشد بلکه وصف و مهارتی است که کنیز آن را به دست آورده است و این وصف و مهارت نزد عرف غیر متشرعه دارای قیمت می‌باشد ولی شارع آن را الغا کرده است. وقتی وجود وصف و مهارت حرامی که هیئت و صورت جدیدی نیست باعث حرمت و بطلان تکسب به بیع مغنیه می‌شود به طریق اولی هیئت و صورت حرام و مبعوض جدیدی مانند صنمیت که عارض بر ماده می‌شود، موجب حرمت و بطلان تکسب می‌شود.

جهت دوم اولویت

جهت دومی که اولویت از آن استفاده می‌شود این است که وقتی وصفی مانند آوازه‌خوانی که گناه کبیره است موجب بطلان و حرمت معامله می‌شود به طریق اولی هیئت صنمیت که در ذات آن شرک است و با توحید تقابل دارد، موجب بطلان و حرمت معامله می‌شود.



دلالت این دلیل تام می‌باشد. البته از ادله دیگری مانند حرمت و بطلان بیع آلات قمار نیز می‌توان این اولویت را به دست آورد.

شمول حکم حرمت بیع صنم نسبت به تکسب به نمادهای شرک

مطلب دیگری که در ذیل بحث تکسب به اصنام وجود دارد، این است که آیا مباحث مربوط به تکسب به اصنام و ادله‌ای که بر حرمت و بطلان تکسب به هیاکل عبادت اقامه شده است، در مورد تکسب به نمادهای شرک و مشرکین که معبود آن‌ها نیست، هم جاری می‌باشد یا خیر؟ هرچند هر بیتی که مورد پرستش واقع می‌شود هم معبود مشرکین است و هم نمادی برای شرک و مشرکین اما گاهی چیزهایی وجود دارد که معبود مشرکین نیستند اما نمادی برای آن‌ها و عقاید باطلشان می‌باشد مانند صلیب که مورد پرستش نیست اما نمادی است برای مسیحیت که قائل به بحث تثلیث می‌باشند. جواب این سؤال این است که ادله تحریم بیع اصنام شامل تکسب به نمادهای شرک و باطل هم می‌شود و ساخت و نگهداری و تکسب به آن‌ها نیز حرام و باطل می‌باشد.

معنای شعایر و نمادهای اسلامی

قوام یک دین به داشتن شعایر می‌باشد. اسلام نیز مانند دیگر ادیان، دارای شعایر می‌باشد. شعایر معنای عامی دارد که هم شامل مناسک و اعمال و رفتار می‌شود و هم شامل نمادها می‌شود. نمادهای اسلامی گاهی ایام خاصی می‌باشند که مورد تعظیم واقع می‌شوند و گاهی نیز نمادهای عینی خارجی می‌باشند مانند مساجد و یا کعبه که عالی‌ترین نماد اسلامی می‌باشد. در اسلام هرچند نمادهای اسلامی مانند مساجد و یا کعبه و یا دیگر ابنیه مقدس مورد تعظیم و تقدیس واقع می‌شوند اما این تعظیم و تقدیس به معنای عبادت و پرستش آن‌ها نیست حتی کعبه هم مورد عبادت و پرستش نیست بلکه در اسلام فقط خداوند پرستش می‌شود و کعبه فقط نمادی است که به دستور خداوند سجده به سمت آن می‌باشد.

دلیل شمول بحث نسبت به نمادهای شرک

دلیل اینکه بحث مربوط به اصنام و شقوقی و فروعی که برای آن ذکر شد، در مورد نمادهای شرک هم جاری می‌باشد این است که برخی از ادله‌ای که در مورد حرمت و بطلان بیع صنم اقامه شد مانند حکم مستقل عقل و یا ادله دال بر اولویت به خصوص دلیل هفتم که اولویت حرمت بیع الخشب ممن یعملها صلیبا، شامل بیع نمادها و رموز شرک



هم می‌شود. در دلیل هفتم به دو روایت «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ ابْنِ أُذَيْنَةَ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ أَسْأَلُهُ عَنْ رَجُلٍ لَهُ خَشَبٌ - فَبَاعَهُ مِمَّنْ يَتَّخِذُهُ بِرَابِطٍ فَقَالَ لَا بَأْسَ بِهِ - وَ عَنْ رَجُلٍ لَهُ خَشَبٌ فَبَاعَهُ مِمَّنْ يَتَّخِذُهُ صَلْبَانًا قَالَ لَا^۱» و «وَبِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عِيسَى الْقُمِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ حُرَيْثٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنِ الثُّوتِ أَبِيْعُهُ - يُصْنَعُ لِلصَّلِيبِ وَالصَّنَمِ قَالَ لَا^۲» اشاره شد که روایت اول به لحاظ سندی معتبر می‌باشد و از صلیب نامبرده است که از صلیب در روایت الغا خصوصیت می‌شود و حکم به هر نماد شرک و دین باطل گسترش پیدا می‌کند.

بحثی در مورد صلیب و تثلیث

هرچند صلیب نماد بت‌پرستی نیست و نماد مسیحیان می‌باشد اما از آنجاکه مسیحیت فعلی یک دین تحریف‌شده می‌باشد که قائل به نظریه تثلیث می‌باشد که با توحید ناسازگار است و یک دین باطل می‌باشد، صلیب نیز به‌عنوان نماد یک دین باطل در محل بحث داخل می‌باشد. البته در مورد نسبت تثلیث به مسیحیت در قرآن و اینکه همه مسیحیان تثلیث که مقابل توحید است و شرک می‌باشد را قبول دارند و خطاب قرآن به همه مسیحیان بوده است و یا اینکه این عقیده به‌نحوی که موجب شرک باشد را فقط برخی فرق مسیحیت به آن عقیده دارند مثلاً گروهایی از مسیحیت که در جزیره العرب و در زمان نزول آیات قرآن می‌زیسته‌اند و خطاب قرآن هم در مورد تثلیث شامل این عده می‌شود، نظرات مختلفی وجود و برخی از مسیحیان نسبتی که در قرآن به آن‌ها داده‌شده را به‌گونه‌ای که شرک می‌باشند قبول ندارند و بحث تجلی خداوند را مطرح می‌کنند که شرک نیست. برخی خطاب را شامل همه مسیحیان می‌دانند و می‌فرمایند در زمان نزول این آیات همه مسیحیان قائل به تثلیث به‌نحوی که شرک باشد بودند و این هجمه قرآن باعث شد که برخی از فرق و نحله‌های مسیحی به توجیه و تغییر این نظریه به‌گونه‌ای که شرک نباشد، بپردازند و برخی نیز خطاب قرآن را برخی فرقی می‌دانند که این نظریه را به‌نحوی که شرک است، قبول دارند.

اقسام نمادهای باطل و حکم آن‌ها

البته مناسب‌تر این است که در مورد نمادها و مباحث مربوط به آن به‌طور مستقل بحث شود چون نمادهای باطل دارای اقسامی می‌باشند که در حکم باهم تفاوت‌هایی دارند و آنچه محل بحث در مباحث فوق بود نمادهای شرک و

^۱ وسایل الشیعه ج ۱۷ کتاب التجاره ابواب ما یکتسب به باب ۴۱ ح ۱

^۲ وسایل الشیعه ج ۱۷ کتاب التجاره ابواب ما یکتسب به باب ۴۱ ح ۲



نمادهای دین باطل می باشد و نماد مردم متدین به آن دین باطل و یا مثلاً پرچم ممالک کفر و شرک داخل در محل بحث نیست. نمادهای باطل را می توان به چهار قسم تقسیم کرد.

قسم اول نمادهای شرک و ادیان باطل

قسم اول از اقسام نمادهای باطل، نمادها و یا به اصطلاح عربی رموز شرک و یا نمادهای عقاید اصولی باطل که به شرک و امثال آن مرتبط می باشد مانند صلیب و یا کلیسا و کنیسه یا ستاره داوود که نمادهای یک دین باطل و انحراف در عقاید اصولی است، می باشد. این قسم در محل بحث داخل می باشد و ادله حرمت بیع اصنام شامل این نمادها هم می شوند و آن اقسام و فروعی که ذکر در مورد این قسم هم جریان دارد.

قسم دوم نمادهای عقاید انحرافی

قسم دوم از نمادهای باطل نمادهایی هستند که نماد عقاید انحرافی اما نه مانند قسم اول که به عقاید اصولی و مهم بازگشت داشت، می باشند مانند نمادهای برخی از فرق صوفیه، هرچند ادله حرمت بیع اصنام شامل این قسم نمی شود اما تکسب به این قسم هم از باب اشاعه باطل و ترویج ضلال دارای اشکال می باشد.

قسم سوم نمادهای مربوط به معاصی

قسم سوم از نمادهای باطل نمادهای مربوط به معاصی و گناهان مانند نمادهای همجنس گرایی و یا دیگر معاصی می باشد. هرچند ادله حرمت بیع صنم شامل این قسم نمی شود اما تکسب به این نمادها از باب اشاعه فحشا و منکر دارای اشکال می باشد.

قسم چهارم نمادهای متدینین به شرک و ادیان باطل

قسم چهارم از نمادهای باطل، نمادهایی هستند که مربوط به شرک و یا عقاید باطل و گناهان نیستند بلکه نمادهایی از سبک سلوک و زندگی مردمی هستند که متدین به عقاید باطل می باشند و یا اینکه مشرک هستند و بیانگر آداب زندگی پوشاک و یا خورد و خوراک آنها می باشد. ادله حرمت بیع صنم شامل تکسب به این نمادها نمی شود و باید ادله مربوط به حرمت تشبه به کفار بررسی شود، تا حکم این قسم نیز مشخص شود.

شماره ثبت: ۱۱۷۰

